

بررسی دیه شکستگی استخوان از منظر قانون و رویه سازمان پزشکی قانونی به همراه حل برخی مشکلات اجرایی

محمد حسین شاکر*، عادل ساریخانی**

* کارشناسی ارشد از دانشگاه قم

** عضو هیات علمی دانشگاه قم

چکیده

نظریه دیه شکستگی استخوان مورد پذیرش اکثر فقها قرار گرفته است. این نظریه بیان می‌دارد: دیه شکستگی استخوان در صورت عدم بهبودی در اعضای دارای دیه مقدر یک پنجم دیه قطع عضو و در صورت بهبودی کامل چهار پنجم از یک پنجم دیه قطع عضو می‌باشد. قانون مجازات به تبع مشهور فقها این نظریه را پذیرفته و در بند الف ماده ۵۶۹ مقرر داشته: «دیه شکستن استخوان هر عضو یک پنجم دیه آن عضو و اگر بدون عیب درمان شود چهار پنجم دیه شکستن آن است».

صدور حکم به دیه مطابق ماده فوق، منوط به تایید شکستگی استخوان مطابق یکی از حالات بهبودی یا عدم بهبودی می‌باشد. با توجه به عدم تخصص اکثر قریب به اتفاق قضات در تشخیص صدمات وارد بر استخوان، مطابق ماده ۱۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری:

«بازپرس برای معاینه جراحات، آثار و علائم ضرب، صدمات جسمی، آسیب‌های روانی و سایر معاینات و آزمایش‌های پزشکی، نظر پزشکی قانونی را اخذ یا حسب مورد، از وی دعوت می‌کند. اگر پزشک قانونی نتواند حضور یابد و یا در جایی پزشک قانونی نباشد، پزشک متخصص معتمد دعوت می‌شود.» متخصصین سازمان پزشکی قانونی بر اساس این ماده اقدام به معاینه و صدور گواهی می‌کنند. هرچند ماده ۵۶۹ حکم دیه شکستگی استخوان را بیان داشته است اما در مرحله تطبیق، این ماده مشکلات اجرایی را در پی داشته که بیان راه حل برای آن در مقام صدور احکام توسط پزشکان متخصص قانونی و نیز قضات در محاکم راه گشا خواهد بود.

در این مقاله به بررسی اجمالی فقهی دیه شکستگی استخوان و چگونگی بازتاب آن در قانون به همراه مشکلات اجرایی آن پرداخته و رویه سازمان پزشکی قانونی را از نظر دور نخواهیم داشت و در پایان پیشنهادات خود را ارائه می‌دهیم.

واژگان کلیدی: دیه، فقه، پزشکی قانونی، شکستگی، قانون

تایید مقاله: ۹۵/۴/۱

وصول مقاله: ۹۴/۱۰/۱۹

شماره تماس: ۰۲۵۳۱۲۰۶۶۵۸

mhshaker@chmail.ir

نویسنده پاسخگو: کارشناسی ارشد - دانشگاه قم

مقدمه

و اصل ظریف به عنوان منبع آن می‌باشد که این مشکل در مرحله تقنین نیز وجود دارد.

این نوشتار به بررسی اجمالی فقهی دیه شکستگی استخوان پرداخته و سپس به بررسی قانون مجازات اسلامی و رویه سازمان پزشکی قانونی به همراه پیشنهادی برای یکسان سازی قانون مجازات و رویه سازمان پزشکی قانونی با لحاظ شرع انور بیان کرده است. در انتها به بررسی مشکلات اجرایی قانون به عنوان منبع اصلی مراجعه قضات در تعیین دیه برای صدمه تشخیصی متخصصان پزشکی قانونی پرداخته شده است. قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ نیز با وجود اصلاحات خوبی که در آن صورت پذیرفته، در بیانی کلی تنها حکم دیه شکستگی را در دو حالت بهبودی و عدم بهبودی استخوان تعیین کرده است و در بیان فروعات آن دارای ابهام است.

صدمات مربوط به استخوان در سر و صورت با توجه به متون روائی و فقهی مورد قبول قریب به اتفاق اکثر فقها قرار گرفته لکن در سایر استخوان‌های بدن اختلافاتی در متون روائی با متون فقهی وجود دارد. در مرحله تقنین و آوردن قریب به اتفاق مواد قانونی بر اساس فتاوی مشهور فقها و وجود مسایل فرعی بسیار در این موضوع، شاهد نواقص و مشکلات اجرایی بوده که نیازمند بررسی فقهی - قانونی در کنار استفاده از مشاوره متخصصان پزشکی قانونی هستیم.

دیه شکستگی استخوان در قالب یک نظریه با استناد به اصل ظریف در متون فقهی بیان شده است. اطلاق فقرات روایت و عدم اشاره به حالت بهبودی یا عدم بهبودی صدمه، یکی از تناقضات میان این نظریه

الف. تعریف و واژه شناسی:

شکستگی به صورت گسیختگی‌های کامل یا ناکامل در تمامیت استخوان تعریف می‌شود و بر اساس نوع و وسعت صدمه طبقه بندی می‌شود. (۱) مطابق علم پزشکی انواع شکستگی‌ها در ترک برداشتن^۱، استرس^۲، ترک تری^۳، درهم رفته^۴، فشرده^۵، فرورفته^۶، عرضی^۷، مایل^۸، مارپیچی^۹، کنده شدن استخوان^{۱۰}، چند تکه ای^{۱۱}، چندقطعه ای^{۱۲}، داخل مفصلی^{۱۳} و دررفتگی^{۱۴} طبقه بندی می‌شوند.

انواع شکستگی‌های فوق را با توجه به صدمات وارده بر استخوان که در متون روایی و فقهی بیان شده که عبارتند از کویدگی (رض)، شکستگی (کسر)، ترک برداشتن (صدع)، دررفتگی (نقل عظم و فک)، می‌توان در دسته بندی زیر ارائه داد:

- شکستگی: عرضی، مایل، مارپیچی، چند قطعه‌ای^{۱۵} و چند تکه‌ای^{۱۶}، دررفتگی^{۱۷}، کنده شدن استخوان، داخل مفصلی، درهم رفته^{۱۸}، شکستگی استرس^{۱۹}
- فشرده‌گی: فشرده، شکستگی فرورفته.
- ترک برداشتن: ترک برداشتن استخوان، ترک تری
- دررفتگی: شکستگی دررفتگی

۱. Hair Line Fracture (شکستگی ناکاملی که تنها قسمتی از مقطع عرضی استخوان دچار گسیختگی می‌شود).
۲. Stress Fracture (این شکستگی ناشی از ضربات خفیف و مکرر است که باعث شکستگی میکروسکوپی استخوان می‌گردد. با توجه به این که بعضی از انواع این شکستگی در سربازان در اثر رژه‌های مکرر و طولانی به وجود می‌آید به آن مارچ فاکچر نیز می‌گویند).
۳. Greenstick Fracture (ضربه وارده به استخوان باعث شکسته شدن استخوان در طرف مقابل ضربه می‌گردد در حالی که در طرفی از استخوان که ضربه به آن وارد شود استخوان در هم فشرده می‌گردد. علت این نام‌گذاری شبیه بودن رفتار استخوان به یک تکه یا چوب تر است).
۴. Impacted Fracture (در این نوع شکستگی که بیشتر در استخوان‌های اسفنجی دیده می‌شود قطعات شکسته در هم فرو می‌روند، مثل شکستگی درهم فرورفته گردن استخوان ران).
۵. Compression Fracture (این شکستگی که در استخوان‌های اسفنجی دیده می‌شود در اثر وارد آمدن فشار بیش از تحمل به استخوان به وجود می‌آید؛ مثل شکستگی فشرده استخوان پاشنه در اثر سقوط از بلندی).
۶. Depressed Fracture (این شکستگی در اثر وارد آمدن فشار ناگهانی و شدید روی یک قسمت از استخوان به وجود می‌آید. شکستگی فرورفته انتهایی فوقانی درشت‌نی مثالی از این شکستگی هست).
۷. Transverse Fracture (این شکستگی عرضی است و عمود بر محور طولی استخوان می‌باشد).
۸. Oblique Fracture (خط شکستگی مایل است).
۹. Spiral Fracture (خط شکستگی مارپیچی است).
۱۰. Avulsion Fracture (این شکستگی کنده شدن قسمت کوچکی از استخوان است. مثل کنده شدن لبه داخلی انتهایی فوقانی بند اول شست در اثر فشار بیش از حد روی آن).
۱۱. Comminuted Fracture (قطعات شکسته شامل دو قطعه بزرگ و چند تکه کوچک در محل شکستگی می‌باشد).
۱۲. Segmental Fracture (استخوان در چند نقطه شکسته است (معمولاً دو نقطه). این شکستگی را باید از شکستگی چند تکه‌ای مجزا دانست. جا انداختن این شکستگی ممکن است دشوار باشد. قطعات شکسته ممکن است در یک نقطه جوش بخورند و در نقطه دیگر جوش نخورند).
۱۳. Intraarticular Fracture (در آن خط شکستگی به داخل مفصل راه یافته است).
۱۴. Fracture-Dislocation (در مواردی که شکستگی همراه با دررفتگی مفصل باشد آن را شکستگی دررفتگی گویند؛ مثل شکستگی دررفتگی مفصل ران).
۱۵. با این توضیح که در صورتی که خط‌های شکستگی بسیار به هم نزدیک باشد می‌توان آن را فشرده‌گی دانست.
۱۶. با این توضیح که در صورتی که خط‌های شکستگی بسیار به هم نزدیک باشد می‌توان آن را فشرده‌گی دانست.
۱۷. با این توضیح که دررفتگی جداگانه بررسی و دیه دارد.
۱۸. با این توضیح که فشرده‌گی نیز محقق می‌شود.
۱۹. با این توضیح که ممکن است به صورت ترک برداشتن واقع شود.

با توجه به تفاوت دیه هر یک از صدمات شکستگی، کویدگی، دررفتگی و ترک برداشتن، می‌بایست تعریفی دقیق با توجه به مصادیق مختلف صدمات ارائه داد یا حتی به بیان مصادیق شکستگی پرداخت تا سازمان پزشکی قانونی برای صدور گواهی‌های خود که در قریب به اتفاق مورد قبول قضات بوده، دچار سردرگمی نشود.

در ادامه با توجه به این که قانون‌گذاری بر مبنای شرع انور می‌باشد ابتدا بررسی بسیار کوتاهی بر متون فقهی در دیه شکستگی استخوان کرده و سپس به بررسی دقیق متون قانونی و رویه مستند سازمان پزشکی قانونی می‌پردازیم و ارائه راه حل برای مشکلات اجرایی را از نظر دور نخواهیم داشت.

ب. اقوال فقها و ارزیابی آن‌ها:

۱. مشهور فقها (۲) دیه شکستگی استخوان را در قالب یک نظریه مقرر داشته‌اند. مطابق این نظریه:

«هر گاه استخوان عضو دارای دیه مقدر بشکند، در صورت عدم بهبودی کامل، یک پنجم دیه آن عضو و اگر شکستگی به صورت کامل درمان شود، چهار پنجم از یک پنجم دیه آن عضو به عنوان دیه ثابت خواهد شد.»

۲. در مقابل دسته ای از فقها (۳) حکم دیه هر استخوان را به صورت جداگانه بیان کرده‌اند.

مشهور فقها برای نظریه خود دلیل و مستندی ارائه نداده‌اند. سایر فقها این نظریه را مستند به فقرات و قسمت‌های مختلف اصل ظریف می‌دانند. (۴)

اصل ظریف به بیان دیه شکستگی استخوان‌های شانه، یکی از دو استخوان ساعد (زند اعلی و زند اسفل)، بند متصل به کف پا در انگشت شست، هر یک از بندهای متصل به کف انگشتان غیر شست، بند وسطی انگشتان دست غیر از شست و بند ناخن انگشتان دست غیر از شست مطابق نظریه مشهور فقها پرداخته است. مطابق اصل ظریف تنها استخوان‌های فوق بوده که می‌توان به آن‌ها برای نظریه مشهور فقها تمسک جست.

در ادامه سایر فقرات اصل ظریف که مخالف نظریه مشهور بوده را بیان می‌کنیم. این استخوان‌ها عبارتند از:

بازو، آرنج، بند انگشت شست متصل به کف دست، هر یک از مچ‌های دست، بند بالائی انگشت شست، لگن، ران، کشکک، ساق پا، بند ناخن شست پا، بند متصل به کف پا در انگشتان پا غیر از شست، بند وسط از انگشتان پا غیر از شست، بند بالائی انگشتان دست غیر از انگشت شست.

همان گونه که مشاهده می‌شود دیه شکستگی این استخوان‌ها مطابق نظریه مشهور فقها نمی‌باشد و به همین دلیل برخی از فقها نظریه مشهور را رد کرده و با توجه به اصل ظریف به عنوان تنها منبع روایی به بیان دیه شکستگی تک تک استخوان‌ها پرداخته‌اند.

واضح شد که فقرات بسیاری از اصل ظریف، مخالف نظریه مشهور در

صدمه شکستگی در قانون (جدا از ایراداتی که در صحت فقهی آن وجود دارد). موظف به عمل مطابق ماده ۵۶۹ به بیان دقیق دیه حالات مختلف شکستگی پرداخته، می‌باشند.

ماده ۵۶۹ دارای قیودی بوده که یکی از این قیود با توجه به کلی بودن حکم ماده بوده و دیگری در متن ماده ذکر شده است و با توجه به این قیود دو معیار برای موارد عدم جریان این ماده وجود دارد که عبارتند از:

- عضو در بردارنده استخوان می‌بایست دارای دیه مقدر اعم از قانونی یا شرعی باشد.

- دیه صدمه شکستگی استخوان به طور خاص و خلاف نظریه بیان نشده باشد.

با توجه به دو ملاک فوق یک دسته از استخوان‌ها تخصصاً و دسته دیگر تخصصیاً از شمول این نظریه خارج هستند که به بیان آن می‌پردازیم. چنانچه برای عضو در بردارنده استخوان دیه مقدر وجود نداشته باشد، شکستگی استخوان آن عضو مشمول ماده نخواهد بود. ابتدا می‌بایست با تتبع در متون قانونی، نسبت به بررسی مقدر بودن دیه عضو اقدام و در صورت فقدان، در صورتی که در متون روانی معتبر دیه عضو تعیین شده باشد مطابق ماده عمل خواهد شد و الا در صورت فقدان متون قانونی و روایی در تعیین دیه عضو، این گونه موارد تخصصاً از شمول نظریه خارج هستند. استخوان‌های کف پا و دست از این دسته هستند. البته هر چند فقها در بیان این نظریه، تصریح به اعضای دارای دیه مقدر کرده اند لکن با توجه به اصطیادی بودن این نظریه می‌توان به نحوی اعضائی که دارای دیه مقدر در متون قانونی و شرعی نیستند را نیز مشمول این ماده دانست باین بیان که برای شکستگی این گونه استخوان‌ها در حالت عدم بهبودی، یک پنجم ارش قطع آن عضو و در حالت بهبودی چهار بیست و پنجم ارش قطع آن عضو را در نظر گرفت. تعریف دیه در قانون جدید به بیانی که ارش را نیز در بردارد این احتمال را قوی می‌کند.

مورد دیگری که احتمال خروج تخصصی آن از ماده ۵۶۹ می‌باشد اعضائی است که خود عضو تنها شامل یک استخوان است. به عبارتی عضوی وجود ندارد تا در برگیرنده آن استخوان باشد بلکه عضو به اسم همان استخوان می‌باشد. این استخوان‌ها عبارتند از ستون فقرات، دنبالچه، دنده و ترقوه که به ترتیب در مواد ۶۴۷، ۶۵۱، ۶۵۳ و ۶۵۶ قانون مجازات اسلامی احکام شکستگی آن‌ها بیان شده است.

* دسته دیگر استخوان‌هایی است که به صورت تخصصی از شمول ماده خارج هستند و شامل استخوان‌های اعضای دارای دیه مقدری بوده که برای شکستگی استخوان آن عضو در متن قانون دیه خاص تعیین شده باشد. با بررسی قانون مجازات به این نتیجه رسیدیم که استخوانی از عضو دارای دیه مقدر که در قانون دیه شکستگی آن به طور خاص بیان شده باشد وجود ندارد.

در صورتی که برای شکستگی دو دسته استخوان فوق در متون قانونی و روایی دیه مقدر تعیین نشده باشد می‌بایست برای آن ارش در نظر

دیه شکستگی استخوان بوده و از همین رو برخی فقها این نظریه را در متون فقهی خود بیان نکرده و با توجه به روایات خاص وارده در صدمات هر یک از استخوان‌ها به تعیین دیه پرداخته‌اند.

ج. نگاه مقنن در تعیین دیه شکستگی

۱. قانون مجازات اسلامی:

صرف نظر از مطالبی که در بررسی فقهی نظریه مشهور فقها در دیه شکستگی استخوان بیان شد، مفاد آن در ماده ۴۴۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ آمده بود. این ماده مقرر می‌داشت: «دیه شکستن استخوان هر عضوی که برای آن عضو دیه معینی است خمس آن می‌باشد و اگر معالجه شود و بدون عیب گردد دیه آن چهارپنجم دیه شکستن آن است...»

این نظریه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز در ماده ۵۶۹ آمده است. این ماده مقرر می‌دارد:

«ماده ۵۶۹- دیه شکستن، ترک برداشتن و خرد شدن استخوان هر عضو دارای دیه مقدر به شرح زیر است:

الف- دیه شکستن استخوان هر عضو یک پنجم دیه آن عضو و اگر بدون عیب درمان شود چهار پنجم دیه شکستن آن است. ...»

هر چند قانون مجازات با قبول نظریه مشهور فقها، مفاد آن را در ماده ۵۶۹ آورده است لکن در ماده ۵۶۸ در مورد دیه شکستگی اعضا مقرر داشته است:

« ماده ۵۶۸- در شکستگی عضوی که دارای دیه مقدر است، چنانچه پس از جنایت به گونه ای اصلاح شود که هیچ عیب و نقصی در آن باقی نماند، چهار بیست و پنجم دیه آن عضو ثابت است و چنانچه با عیب و نقص اصلاح شود یا برای آن عضو دیه مقدری نباشد، ارش ثابت است مگر در مواردی که در این قانون خلاف آن مقرر شده باشد.»

این ماده به بیان دیه شکستگی همراه با بهبودی کامل پرداخته و میزان چهار بیست و پنجم دیه عضو را ثابت می‌داند. ماده ۵۶۹ در این صدمه همان میزان منتهی با عبارتی متفاوت را بیان کرده و میزان چهارپنجم از یک پنجم دیه عضو را ثابت می‌داند که مقادیر مذکور، یکسان هستند. بنابراین هر دو ماده ۵۶۸ و ۵۶۹ در تعیین دیه این صدمه، مقدار واحدی را تعیین کرده اند.

در نوع دیگر صدمه شکستگی که همراه با عدم بهبودی کامل است مطابق ماده ۵۶۸، چنانچه با عیب و نقص اصلاح شود یا برای آن عضو دیه مقدری نباشد، ارش ثابت می‌شود مگر در مواردی که قانون خلاف آن را مقرر کرده باشد. اما ماده ۵۶۹ در این صدمه یک پنجم دیه عضو را ثابت می‌داند. هر چند ماده ۵۶۹ میزان یک پنجم را به صورت مطلق آورده، لکن با قرینه جمله بعدی ماده که در مورد صدمه شکستگی با بهبودی است باید این اطلاق را حمل بر حالت عدم بهبودی کرد. در بند مربوط به مشکلات اجرایی به بررسی و انطباق این دو ماده با یکدیگر می‌پردازیم.

بنابراین کارشناسان پزشکی قانونی و قضات با توجه به تبیین دیه

گرفت.

۲. رویه سازمان پزشکی قانونی:

بررسی صدمات وارده بر استخوان و تعیین نوع و میزان آن و نیز بهبودی یا عدم بهبودی نیازمند تخصص در این زمینه می‌باشد که اکثر قریب به اتفاق قضات با توجه به عدم تخصص در امر پزشکی، توانایی این امر را ندارند. از همین رو مطابق ماده ۱۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری:

«بازپرس برای معاینه جراحات، آثار و علائم ضرب، صدمات جسمی، آسیب‌های روانی و سایر معاینات و آزمایش‌های پزشکی، نظر پزشک قانونی را اخذ یا حسب مورد، از وی دعوت می‌کند. اگر پزشک قانونی نتواند حضور یابد و یا در جایی پزشک قانونی نباشد، پزشک متخصص معتمد دعوت می‌شود.»

ماده فوق قضات را مکلف به اخذ نظر پزشکی قانونی در خصوص صدمات جسمی وارد بر بدن که از جمله آن‌ها صدمات وارد بر استخوان بوده، دانسته است. آنچه که مسلم است در خصوص صدمات دارای دیه معین، پزشکی قانونی تنها نوع صدمه را مشخص و قاضی مطابق مواد قانونی، دیه آن را تعیین کند. رویه پزشکی قانونی در خصوص این گونه صدمات چنین است که تنها صدمه را مشخص و با عبارت «سایر صدمات مشمول دیه مقدر است.»^{۲۰} تعیین میزان دیه را به قاضی واگذار می‌کند. اما در صدماتی که دارای دیه معین نبوده پزشکی قانونی علاوه بر تعیین صدمه، نظر کارشناسی خود در مورد میزان ارش را به قاضی اعلام می‌کند.

بنابراین لازم است به بررسی اصول و قواعد حاکم بر نظریات پزشکی قانونی بپردازیم. سازمان پزشکی قانونی در سال ۸۴ اقدام به چاپ کتابی بنام «ارش و دیه» نمود که هدف اصلی آن یکسان‌سازی گواهی‌ها و کارشناسی‌های حوزه معاونت پزشکی و بالینی سازمان نظام پزشکی بود که به بررسی نظرات پزشکی قانونی در صدور گواهی می‌پردازیم.

برخی نکاتی که پزشکان در سازمان پزشکی قانونی می‌بایست در صدمات شکستگی استخوان به آن توجه داشته باشند به قرار زیر است: * «در شکستگی ترقوه در صورت جوش خوردگی^{۲۱} به هر شکل «شکستگی بهبود مناسب یافته» اعلام شود و بر اساس افت عملکرد در ناحیه شانه، ارش تعیین گردد.» (۵)

در توضیح این نکته باید گفت هر چند دیه شکستگی ترقوه در ماده ۵۶۵۲۲ بیان شده و مشمول دیدگاه مشهور فقها در دیه شکستگی که در ماده ۵۶۹ قانون مجازات آمده، نمی‌باشد لکن نگاه سازمان در بهبودی یا عدم بهبودی، متفاوت با نگاه شارع و یا حتی قانون است

۲۰. به عنوان نمونه در پرونده‌های سازمان پزشکی قانونی (اداره کل پزشکی قانونی استان قم) به شماره ۹۴/۱۵/۱/۱۶۲۳ مورخ ۹۴/۵/۲۶، شماره ۹۴/۵/۲۶ مورخ ۹۳/۱۵/۱/۱۷۷۴ مورخ ۹۴/۵/۲۶، شماره ۹۴/۱۵/۱/۶۷۵ مورخ ۹۴/۵/۲۵، شماره ۹۴/۱۵/۱/۲۳۵۷ مورخ ۹۳/۱۱/۲۱ و شماره ۹۳/۱۲/۱۷ مورخ ۹۳/۱۵/۱/۱۷۵۶ و ...

21. union

۲۲. ماده ۶۵۶- شکستن هریک از استخوان‌های ترقوه در صورتی که بدون عیب درمان شود، موجب چهار درصد دیه کامل و در صورتی که درمان نشود و یا با عیب درمان شود، موجب نصف دیه کامل است.

چراکه عبارات «هیچ عیب و نقیصی در آن باقی نماند» در ماده ۵۶۸ و «اگر بدون عیب درمان شود» در ماده ۵۶۹، جوش خوردگی به هر شکل را بهبودی نمی‌داند بلکه جوش خوردگی ای را بهبودی کامل می‌داند که هیچ عیب و نقیص دیگری اعم از کجی یا تورم یا ... نداشته باشد.

* «از نظر کارشناسی پزشکی قانونی، ساعد دارای دو استخوان مجزا است. در شکستگی هم زمان دو استخوان، شکستگی و محل آن در هر استخوان گزارش شود. در صورت استعلام قضایی برای استخوان دوم ارش معادل دیه شکستگی استخوان تعیین گردد.» (۶) همین مطلب در مورد استخوان ساق پا بیان شده است.

مطابق قانون مجازات اسلامی، شکستگی هر کدام از استخوان‌های نازک نی و درشت نی، دیه ای جداگانه دارد که سازمان نیز این مطلب را تایید کرده است منتهی مطابق نظر مقنن برای هر کدام از صدمات دیه تعیین می‌شود در حالی که مطابق رویه سازمان تنها برای یکی از استخوان‌ها دیه و برای دیگری ارشی معادل دیه شکستگی تعیین می‌شود.

پزشکان قانونی با رعایت بندهای فوق، نسبت به تعیین صدمه و اعلام نظر نسبت به جبران آن مطابق جدول‌های تعیین شده اقدام می‌کنند. در خصوص جدول‌های مورد عمل پزشکی قانونی باید گفت:

* در استخوان‌های چند قطعه‌ای مانند مچ دست یا کف دست که متشکل از چند قطعه استخوان است، ارش بر اساس هر استخوان تعیین شده و بعضاً هر کدام از قطعات، ارشی متفاوت با قطعه دیگر دارد. به عنوان مثال در شکستگی استخوان‌های مچ دست که بدون عیب بهبود یابد ارش به نحو زیر تعیین می‌شود:

«استخوان اسکافوئید: ۵٪، استخوان لونیت: ۳٪ و سایر استخوان‌های مچ هر یک: ۲٪.» (۷)

این مطلب در مورد استخوان‌های چند قطعه ای با نیز به همین گونه بیان شده است.

در این بند تمایز دیدگاه فقه و پزشکی قانونی آشکار می‌شود چراکه فقه در استخوان‌های چند قطعه‌ای، با یک نگاه به بیان دیه صدمات وارد بر آن پرداخته است لکن در پزشکی قانونی دیه یا ارش متفاوتی برای هر قطعه در استخوان‌های چند قطعه‌ای بیان شده است.

* در استخوان‌های اندام فوقانی، تنها برای صدمات وارد بر استخوان‌های بازو، ساعد و انگشتان دست مطابق نظریه مشهور فقها در شکستگی استخوان، دیه تعیین شده است و در سایر استخوان‌ها ارش تعیین شده است و در استخوان‌های تحتانی تنها برای شکستگی استخوان‌های ران و ساق پا مطابق نظریه مشهور فقها در شکستگی استخوان، دیه تعیین شده و در سایر استخوان‌ها ارش تعیین شده است. (۸)

علت تمییز میان استخوان‌های مذکور و سایر استخوان‌ها با توجه به این که مقنن هیچ تفاوتی را بیان نکرده و تنها در عبارتی کلی به بیان دیه این صدمه پرداخته واضح نیست.

* از منظر پزشکی قانونی کوتاهی اندام پس از شکستگی در صورتی که کمتر از ۲ سانتیمتر باشد نقص عضو محسوب نمی‌شود. (۹)

که هیچ عیب و نقصی در آن باقی نماند، چهار بیست و پنجم دیه آن عضو ثابت است و چنانچه با عیب و نقص اصلاح شود یا برای آن عضو دیه مقدری نباشد، ارش ثابت است مگر در مواردی که در این قانون خلاف آن مقرر شده باشد.»

هر دو ماده ۵۶۸ و ۵۶۹ در تعیین دیه شکستگی همراه با بهبودی کامل، مقدار واحدی را با عبارات متفاوت تعیین کرده اند. در نوع دیگر صدمه شکستگی که همراه با عدم بهبودی کامل است مطابق ماده ۵۶۸، چنانچه با عیب و نقص اصلاح شود یا برای آن عضو دیه مقدری نباشد، ارش ثابت می شود مگر در مواردی که قانون خلاف آن را مقرر کرده باشد. اما ماده ۵۶۹ در این صدمه یک پنجم دیه عضو را ثابت می داند. هرچند ماده ۵۶۹ میزان یک پنجم را به صورت مطلق آورده، لکن با قرینه جمله بعدی ماده که در مورد صدمه شکستگی با بهبودی است باید این اطلاق را حمل بر حالت عدم بهبودی کرد.

این تعارض از نگاه اداره کل حقوقی قوه قضائیه دور نمانده و آن اداره کل عطف به استعلام^{۲۳} شماره ۳/۳/۹۲ مورخ ۹۲/۴/۱۸ نظریه مشورتی کارگروه قوانین جزائی را در نامه شماره ۶۰۷-۱۸۶/۱-۹۲ مورخ ۹۲/۷/۱ به شرح زیر اعلام کرده است:

«... ۳. استخوان شکسته شده مربوط به عضوی است که آن عضو دارای دیه مقدر است و استخوان پس از شکستگی بهبود نیافته است یا به صورت ناقص بهبودی پیدا کرده است، در این صورت بین ماده ۵۶۸ و ۵۶۹ تعارض وجود دارد زیرا ماده ۵۶۸ در این مورد ارش را ثابت می داند ولی ماده ۵۶۹ یک پنجم دیه کامل را که باید از طریق قانون رفع شود.»

۳. شمول یا عدم شمول نظریه دیه شکستگی عضو در مورد ناخن:

ماده ۶۴۵ قانون مجازات، در تعیین دیه ناخن مقرر داشته: «دیه از بین بردن ناخن به طوری که دیگر نروید یا فاسد و معیوب بروید، یک درصد دیه کامل و اگر بدون عیب بروید، نیم درصد دیه کامل می باشد.»

با توجه به این که ناخن دارای دیه مقدر است آیا در شکستگی ناخن می بایست مطابق نظریه دیه شکستگی عمل شود؟

قانون مجازات در این خصوص دارای ابهام است منتهی می توان چنین گفت که لغویون (۱۰) در تعریف عظم گفته اند: «هر استخوانی که کامل شده به گوشت». بنابراین نمی توان ناخن را عضو دانست تا مشمول نظریه باشد.

نتیجه

بیان شد که نظر مشهور فقها که قانون مجازات مطابق آن به رشته

۲۳. متن استعلام:

«احتراماً آیا تفاوتی بین ماده ۵۶۸ و بند الف ماده ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ موجود می باشد؟ زیرا هر دو راجع به شکستن عضوی است که دارای دیه مقدر است.»

بیان شد که عبارات قانون تنها بهبودی کامل که شکستگی همانند حالت اولیه خود بهبود یابد را شکستگی بهبود یافته می داند در حالی که مطابق رویه پزشکی قانونی کوتاهی استخوان تا ۲ سانتی متر، نقص محسوب نشده و در گواهی های خود ارش و دیه ای به عنوان شکستگی با عدم بهبودی تعیین نمی کنند.

باید گفت در مقام حکم دادن بسیاری حالات، آنچه سازمان پزشکی قانونی گواهی های خود را مطابق آن صادر می کند با نظر مقنن هم خوانی ندارد به عبارتی در صدمه شکستگی برخی استخوان ها می توان دو نظر متفاوت مطابق قانون مجازات اسلامی و رویه پزشکی قانونی داد.

د. مشکلات اجرایی ماده ۵۶۹ در شکستگی استخوان:

۱. اعضای دارای دو استخوان یا شکستگی های نزدیک به هم:

آیا شکستگی هر دو استخوان درشت نی و نازک نی برای صدق عنوان شکستگی لازم است و یا شکستن یکی از آن دو استخوان کافی است و می توان با توجه به ماده، حکم به یک پنجم دیه دست یا پا داد.

اشکال دیگر در اجرای این ماده در استخوان های ساعد و ساق، این که در صورتی که هر دو استخوان نازک نی و درشت نی شکسته شود آیا دو شکستگی قابل محاسبه است یا تنها یک شکستگی به حساب می آید. به نظر صدق عنوان شکستگی با شکسته شدن یکی از دو استخوان نیز محقق می شود. فرض مقابل این است که صدق عنوان شکستگی با شکسته شدن هر دو استخوان نازک نی و درشت نی محقق شده و بنابراین فرض در صورت شکسته شدن یک استخوان، شکستگی کامل محقق نخواهد بود و می بایست علی القاعده نصف میزان دیه تعیین شده در شکستگی برای آن در نظر گرفته شود. ماده ۵۴۳ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد:

«ماده ۵۴۳- در صورت وجود مجموع شرایط چهارگانه ذیل، دیه آسیب های متعدد تداخل می کند و تنها دیه یک آسیب ثابت می شود: الف- همه آسیب های ایجاد شده مانند شکستگی های متعدد یا جراحات متعدد از یک نوع باشد.

ب- همه آسیب ها در یک عضو باشد.

پ- آسیب ها متصل به هم یا به گونه ای نزدیک به هم باشد که عرفاً یک آسیب محسوب شود.

ت- مجموع آسیب ها با یک رفتار مرتکب به وجود آید.»

مطابق این ماده با وجود ۴ شرط فوق، شکستگی های متعدد دیه واحد دارند. هرچند استخوان های نازک نی و درشت نی شرایط مذکور در بندهای الف، ب و ت را دارند لکن نمی توان شکستگی این دو استخوان را متصل به هم یا عرفاً یک آسیب دانست.

۲. تعارض مواد ۵۶۸ و ۵۶۹ در دیه شکستگی استخوان:

ماده ۵۶۸ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: «در شکستگی عضوی که دارای دیه مقدر است، چنانچه پس از جنایت به گونه ای اصلاح شود

پیشنهاد می شود با توجه به درج نظر مشهور فقها (با وجود عدم اعتبار) در قانون مجازات اسلامی و با توجه به صدور گواهی های متفاوت با آنچه در قانون آمده توسط سازمان پزشکی قانونی، جمعی از فقها، حقوق دانان و متخصصین پزشکی قانونی گرد هم آیند و به بررسی کارشناسی واژه ها و تعیین دیه صدمه شکستگی استخوان ها اقدام نمایند و بیان فروعات موجود در این موضوع که قانون فعلی پاسخ گوی آن ها نمی باشد را مدنظر قرار دهند.

تحریر درآمده فاقد اعتبار و استناد می باشد. در مقابل عده ای از فقها این شهرت را شکسته و با توجه به روایات خاص وارده که در رأس آن ها اصل ظریف می باشد دیه صدمه شکستگی هر استخوان را تعیین کرده و در مواردی که دیه به طور خاص تعیین نشده بود حکم به ارش داده اند. بنابراین لازم است حکم دیه شکستگی هر استخوان به طور خاص بیان شود.

References Contents

- Farib Nasiri nia. In Translation of Orthopedic/ Nursing and Surgery. Brunner and Suddarth (author). 1st ed. Tahran: Salemy; 1390. 142 [Persian]. Crawford Adams J. Karandish S. Outline of Fractures and Orthopedic. Hamblen D (author). 1ST ed. Tahran: 128 printing office; 1377. 9. [Persian]. Aalamy Harandy et al. Textbook of Orthopedics and fractures. 1st ed. Tahran: Andishe Rafi; 1392. 48 and 49 [Persian]
- Baghdady Mofid M. Almoghneah. 1st. World Congress Sheikh Mofid; 1413. 766. Halaby T. Alkafi Fel Feqh. 1st ed. Esfehan: Emam Sadegh Alayhessalam Institution; 1403. 399. Sallar H. Almarasemol Alaviyah Val Ahkamonnabaviyah. 1st ed. Gom: Manshoratol Haremein; 1404. 248. Toosy M. Annahayah fi Mojarradel Fegh Val Fatavi. 2nd ed. Beirut: Darol Ketabel Arabi; 1400. 776. Halaby H. Ghonyatonnozoo Ela Elmayel Osool Val Foroo. 1ST ed. Gom: Emam Sadegh Alayhessalam Institution; 1417. 41 9. Helli M. Assaraer Alhavi letahrirel Fatavi. 2nd ed. Gom: Islamic Publications Office; 1410. 41. Keydari M. Esbahoshiah Bemebahoshariah. . 1st ed. Gom: Emam Sadegh Alayhessalam Institution; 1416. 508. Helli H. Ghaedol Ahkam fi Maretatel Halal val Haram. 1st ed. Gom: Islamic Publications Office; 1413. 681.
- Hoseiny S. Feqhol Sadeq Alayhessalam. 1st ed. Gom: Darol Ketab; 1412. 408. Mosavi Khoei A. Mabani Takmelatol Menhaj. 1st ed. Gom: Effects Rivival Institution; 1422. 400. Tabatabaei M. Menhajossalehin. 1st ed. Beirut: Darottaarof; 1410. 304. Khorasani H. Menhajossalehin. 5nd ed. Gom: Emam Bagher Alayhessalam School; 1428. 571. Tabrizi J. Tanghihol Mabanel Ahkam. 1st ed. Gom: Darossedighatossahidah Salamollah Alayh; 1428. 212.
- Momen A. Jameol Khelaf Val Vefagh. 1st ed. Gom: Zamineh Sazan Zohor Emam Asr Alayhes-salam; 1421. 573. Madani R. Ketaboddiyati. 1st ed. Gom: Islamic Publications Office; 1408. 226. Toosy M. Annahayah fi Mojarradel Fegh Val Fatavi. 2nd ed. Beirut: Darol Ketabel Arabi; 1400. 776.
- Abedi M. Mahdavi A. Nateghy F. Arsh va Diyeh. 1st ed. Tehran: Message of Justice; 1384. 13 [Persian]
- Abedi M. Mahdavi A. Nateghy F. Arsh va Diyeh. 1st ed. Tehran: Message of Justice; 1384. 13 [Persian]
- Abedi M. Mahdavi A. Nateghy F. Arsh va Diyeh. 1st ed. Tehran: Message of Justice; 1384. 18 [Persian]
- Abedi M. Mahdavi A. Nateghy F. Arsh va Diyeh. 1st ed. Tehran: Message of Justice; 1384. 18 and 30 [Persian]
- Abedi M. Mahdavi A. Nateghy F. Arsh va Diyeh. 1st ed. Tehran: Message of Justice; 1384. 35 [Persian]
- Mostavafi H. Attahghigh fi Kalamatel Ghoranel Karim. 1st ed. Tehran: Makazol Ketab Lettar-jomah Vannashr; 1402. Abdorrahman M. Mojamol Mostalahat Val Alfazol Feghhiyah. Vaseti. Zobeidi. Hanafi. Mohebboddin. Hoseini M. Tajol Aroos Men Javaherel Ghamoos. . 1st ed. Beirut: Darol Fekr; 1414. Farahidi Kh. Ketabol Ein. 2nd ed. Gom: Hejrat; 1410.

Assessing the compensation for bone fracture from legal perspective and the procedure of forensic medicine organization with a solution for some problems of implementation

Muhammad Hossein Shaker*†, A'del Sarikhani**

*MA in Criminal Law and criminology, Qom University, Iran

**Associate professor, Department of Criminal Law and criminology, faculty of Qom University, Iran

Abstract

The theory of the compensation for bone fracture has been accepted by most religious jurists. This theory states, "The recompense for the bone fracture of the body parts for which compensation is included, if the fracture is irreparable, is as much as one fifth of the compensation for the removal of that body part, and if the fracture is fully reparable, the recompense is as much as four fifths of the compensation for the removal of that body part." Following from the most jurists, criminal law has accepted this theory and provides in Paragraph A of the article 569, "The recompense for the bone fracture of a body part is as much as one fifth of the compensation for the removal of that body part, and if the fracture is fully healed without any defect, the recompense is as much as four fifths of the compensation for the removal of that body part."

Passing judgment in accordance with the above Article is subject to the approval of fractures according to one of the states, i.e. reparable or irreparable. Due to lack of expertise of the vast majority of judges in the diagnosis of bone injuries, in accordance with Article 136 of the Code of Criminal Procedure:

The Magistrate calls for the verdict of the coroner to examine injuries, signs of assault, physical injuries, psychological trauma and other examinations and medical tests, and in some cases, he invites the coroner. If the coroner is unable to attend or if there is no coroner in a particular place, then a trusted specialist is invited." Forensic medicine experts begin to examine and issue certificates according to this article. Although Article 569 has stated the recompense for bone fracture, in the implementation phase, this article has had problems to which offering solutions will be useful to medical specialists when issuing verdicts and to judges in courts.

In this paper, we will briefly investigate the juridical compensation for bone fracture and its reflection in constitutional law along with its implementation problems while considering the procedure of the forensic medicine organization and at the end will offer our suggestions.

Keywords: *recompense/compensation, Islamic Law (Fiqh), forensic medicine, fracture, law*

Received: 9 Jan. 2016

Accepted: 21 June 2016

†Correspondence: *criminology, Qom University, Iran*

Tell: 025-31206658

Email: *mshaker@chmail.ir*